



## نوشتاری از علامه طهرانی؛ آثار علمی امام صادق برای سراسر گیتی ضمانت دارد/ وصیت امام صادق(ع)

ای نور دیده پسر! پیوسته کتاب الله را تلاوت کن، و سلامت را ظاهر نما (و سلامت را که به مردم می‌کنی آشکارا کن!) و به چیزهای ستوده و شناخته شده امر کن، و از چیزهای ناشناخته و ناستوده نهی کن.

ای نور دیده پسر! پیوسته کتاب الله را تلاوت کن، و سلامت را ظاهر نما (و سلامت را که به مردم می‌کنی آشکارا کن!) و به چیزهای ستوده و شناخته شده امر کن، و از چیزهای ناشناخته و ناستوده نهی کن.

به گزارش خبرنگار مهر، مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) می‌نویسد: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از آن یگانه نباتی است که در زمین طیب توحید روئیده است و آثار علمی و هدایتی وی نه تنها برای شیعه بلکه برای نسل آدمیت، و نه تنها برای مدینه منوره بلکه برای سراسر گیتی، و نه تنها برای زمانی و قرنی و قرونی بلکه بطور جاودان الی الأبد ضمانت دارد. چرا؟

برای آنکه وی دارای عصمت است، و هر معصومی همچون قرآن که دارای عصمت است ابدیت خواهد داشت. کلمه و فتوا و حکم و رأی هر فقیهی از شیخ طوسی و علامه حلی تا آیه الله بروجردی و حکیم و من شابههم در زمان حیاتشان حجیت دارد و به مجرد مرگ ساقط می‌گردد؛ زیرا دارای عصمت نیستند و برای مردم لازم است از مجتهد حای اعلم جامع الشرائط زمان تقلید کنند؛ اما آیات کریمه قرآنی و سنت ثابتة نبویّه و سیره مسلمة امامیه تا روز قیامت حجّت است.

ایشان در جلد ۱۸ کتاب شریف امام شناسی، وصیت امام صادق به امام کاظم علیهما السلام؛ را چنین روایت می‌کند که در روز شهادت صادق آل محمد صلوات الله علیهم تقدیم می‌گردد. (لازم به ذکر است در کتاب ترجمه در انتهای حدیث ذکر شده که به جهت بهره مندی بیشتر خوانندگان گرامی ترجمه در زیر متن روایت آمده است)

حافظ ابو نعیم اصفهانی گوید: حدیث کرد برای ما احمد بن محمد بن مقسم، که حدیث کرد برای من ابو الحسن بن علی بن حسن کاتب، که حدیث کرد برای من پدرم، که حدیث کرد برای من هیثم، که حدیث کرد برای من بعضی از اصحاب جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که گفت: من بر جعفر وارد شدم در حالی که موسی علیه السلام نزد او بود، و او را بدین وصیت، وصیت می‌نمود. و آنچه که در ذهن من از آن وصیت باقی مانده است این است:

يا بُنَيُّ! اِقْبَلْ وَصِيَّتِي، وَ احْفَظْ مَقَالَتِي، فَانْكَ اِنْ حَفِظْتَهَا تَعِيشُ سَعِيداً وَ تَمُوتُ حَمِيداً!

يا بُنَيُّ! مَنْ رَضِيَ يَمَّا قُسِمَ لَهُ اسْتَعْنَى، وَ مَنْ مَدَّ عَيْنَهُ اِلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ مَاتَ فَقِيْرًا وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ يَمَّا قَسَمَهُ اللهُ لَهُ اَتَّهَمَ اللهُ فِي قَضَائِهِ، وَ مَنْ اسْتَصْعَرَ زَلَّةَ نَفْسِهِ اسْتَعْظَمَ زَلَّةَ غَيْرِهِ، وَ مَنْ اسْتَصْعَرَ زَلَّةَ غَيْرِهِ اسْتَعْظَمَ زَلَّةَ نَفْسِهِ!

ای نور دیده پسر! پند و اندرز مرا بپذیر، و گفتار مرا به خاطرت بسپار، زیرا اگر آن را حفظ کردی در دنیا به سعادت زیست می‌نمائی و با نام جمیل از دنیا رخت بر می‌بندی.

ای نور دیده پسر! کسی که راضی شود به آنچه که برای او مقدر گردیده است بی نیاز می‌شود، و کسی که دیدگانش را به آنچه در دست دیگری است خیره نماید با فقر و تنگدستی خواهد مرد، و کسی که راضی نشود به آن مقداری که خداوند برای او تقدیر نموده است خدا را در قضا و حکمش متهم ساخته است، و کسی که لغزش خود را کوچک بشمارد لغزش غیرش را بزرگ می‌شمارد، و کسی که لغزش غیرش را کوچک بشمارد لغزش خود را بزرگ می‌شمارد!

يا بُنَيُّ! مَنْ كَشَفَ حِجَابَ غَيْرِهِ انْكَشَفَتْ عَوْرَاتُ بَيْتِهِ، وَ مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ، وَ مَنْ احْتَفَرَ لِاخِيهِ يَثْرًا سَقَطَ فِيهَا، وَ مَنْ دَخَلَ السُّفْهَاءَ حَفِرَ، وَ مَنْ خَالَطَ الْعُلَمَاءَ وُفِّرَ، وَ مَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السُّوءِ اَتَّهَمَ؛

ای نور دیده پسر! کسی که پرده دیگری را بدرد، پرده زشتی های او و قبائح خانه و خانوادگی او دریده خواهد شد، و کسی که شمشیر ستم را از غلاف بیرون بکشد با همان شمشیر کشته خواهد شد، و کسی که برای برادرش چاهی را بکند در همان چاه خواهد افتاد، و کسی که با سفیهان بنشیند حقیر می‌گردد، و کسی که با عالمان نشست و

برخاست نماید وزین و وقور می‌شود، و کسی که در جاهای بد و زشت رفت و آمد نماید متهم می‌گردد.

یا بُنَى! إِيَّاكَ أَنْ تُزْرِيَ بِالرَّجَالِ فَيْرَى يَكْ، و إِيَّاكَ و الدُّخُولَ فِيمَا لَا يَعْيبُكَ فَتَذِلُّ لِدَلِكْ!

ای نور دیده پسر! مبدا عیب مردمان را بجوئی و بازگو کنی که عیب تو جستجو شده و باز گفته می‌شود، و مبدا در کارهای بیهوده که برای تو منفعتی ندارد سرکشی نمائی که گرد دلت بر چهره ات می‌نشیند.

یا بُنَى! قُلِ الْحَقُّ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ تُسْتَشَانُ مِنْ بَيْنِ أَفْرَانِكَ!

ای نور دیده پسر! زبان سخن به حق بگشا به نفعت باشد یا ضررت، که در این صورت در میان أفرانت دارای منزلت و مکانت خواهی گشت!

یا بُنَى! كُنْ لِكِتَابِ اللَّهِ تَالِيًا، و لِيَأْسَلَامِ فَاشِيًا [أَوْ لِيَأْسَلَامِ فَاشِيًا]، و يَأْلَمَعْرُوفِ أَمِيرًا، و عَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا، و لِمَنْ قَطَعَكَ وَاصِلًا، و لِمَنْ سَكَتَ عَنْكَ مُبْتَدِئًا، و لِمَنْ سَأَلَكَ مُعْطِيًا، و إِيَّاكَ و النَّمِيمَةَ، فَانْهَ تَزْرَعُ الشَّحْنَاءَ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ، و إِيَّاكَ و التَّعَرُّضَ لِعُيُوبِ النَّاسِ فَمَنْزِلَةَ التَّعَرُّضِ لِعُيُوبِ النَّاسِ يَمَنْزِلَةُ الْهَدَفِ!

ای نور دیده پسر! پیوسته کتاب الله را تلاوت کن، و ایسلامت را ظاهر نما (و سلامت را که به مردم می‌کنی آشکارا کن!) و به چیزهای ستوده و شناخته شده امر کن، و از چیزهای ناشناخته و ناستوده نهی کن، و با کسی که با تو می‌برد بییوند، و با کسی که تو را فراموش می‌کند ابتدای مراوده را شروع نما، و به کسی که از تو چیزی طلب می‌کند به او بده، و مبدا بر تو که سخن چینی و نمائی کنی که در دلهای مردمان تخم کینه می‌کارد، و مبدا که متعرض عیوب مردم شوی، زیرا این تعرض عیناً خود را هدف عیوب مردم قرار دادن است!

یا بُنَى! إِذَا طَلَبْتَ الْجُودَ فَعَلَيْكَ يَمْعَادِنِهِ، فَانْ لِلْجُودِ مَعَادِنَ، و لِيَمْعَادِنِ أَصُولًا، و لِيَأْصُولِ فُرُوعًا، و لِيَفُرُوعِ ثَمَرًا، و لَا يَطِيبُ الثَّمَرُ إِلَّا بِأَصُولٍ، و لَا أَصْلَ ثَابِتٍ إِلَّا بِمَعْدِنٍ طَيِّبٍ!

ای نور دیده پسر! اگر بخشش طلب می‌نمائی بر تو باد که در سر معدنهای بخشش بروی، زیرا که جود و کرم دارای معادنی می‌باشد، و آن معادن دارای اصولی هستند، و آن اصول دارای شاخه‌ها می‌باشند، و آن شاخه‌ها دارای ثمراتی هستند، و هیچگاه ثمره و میوه گوارا نخواهد شد مگر آنکه به اصل متصل باشد، و اصل ثابت نخواهد بود مگر به معدن پاک و پاکیزه!

یا بُنَى! إِنْ زُرْتَ قَرْزَ الْأَخْبَارِ، و لَا تَزُرْ الْفُجَّارَ، فَانْهُمْ صَخْرَةٌ لَا يَتَفَجَّرُ مَاوَهَا، و شَجَرَةٌ لَا يَخْضَرُ وَرْقُهَا، و أَرْضٌ لَا يَطْهَرُ عُشْبُهَا!

ای نور دیده پسر! اگر خواستی به ملاقات کسی بروی به دیدار آخیار برو، و به دیدار فجار مرو، به جهت آنکه آنان مثل سنگ سختی می‌باشند که آب درونش بیرون نمی‌چهد، و مثل درختی می‌باشند که برگ سبز ندارد، و مثل زمینی می‌باشند که گیاه از آن نمی‌روید!

قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فَمَا تَرَكَ هَذِهِ الْوَصِيَّةَ إِلَيَّ أَنْ تُؤْفَى؛ إِمَامُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَفَتُنْدُ: پدرو تا حیات داشت به این وصیت عمل می‌نمود.

\*\*\*\*\*

حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳ ص ۱۹۵. و نیز این وصیت را شیخ مؤمن شبلنجی در نور الأبصار؛ ص ۱۶۳، و شیخ محمد حسین مظفر در کتاب؛ الإمام الصادق؛ ج ۲ ص ۳۶ و ص ۳۷ ذکر نموده است، و در ذیل آن گفته است: برخی از این فقرات در نهج البلاغة؛ آمده است و این امر بدیعی نیست. زیرا علوم آل محمد بعضی از بعض دگر است و شاید امام صادق آن را از روی استشهاد و یا از روی اقتباس ذکر کرده باشند. و همچنین محمد بن طلحة شافعی در مطالب السؤل؛ ص ۸۲ روایت نموده است.